



منبع عکس: فلم انیمیشن در وب سایت فارسی بی بی سی

گزارش تحقیق:

مخالفت طالبان با آموزش دختران

مردم افغانستان چه می گویند؟

تقدیر و سپاسگذاری؛

از همه‌ی هموطنان گرامی که در پاسخ دادن به سوالات پرسشنامه و مصاحبه‌ی این تحقیق ما را یاری رسانیدند، تقدیر و سپاسگذاری می‌نماییم. قطعاً بدون همکاری آنها این سند ترتیب و نهایی نمی‌شد.

تقدیم؛

به تمام دختران شجاع افغانستان به ویژه دختران مرکز آموزشی کاج .

تمام امتیازات مادی و معنوی این سند مربوط شبکه‌ی تحلیلگران بلاق و دست اندکاران آن می‌باشد.

BAN-R0002
25NOV2022

چکیده

زنان افغانستان طی سال‌های متمادی به بهانه‌های مختلف مورد تبعیض جنسیتی با برچسب اسلامی قرار گرفته‌اند، هر چند این خشونت‌ها و تبعیض علیه زنان ریشه‌ی عمیقی در عرف قبیله‌ای و سنت ناپسند مجریان آن دارند اما با تفسیر نادرست از دین اسلام بر آن سایه افکنده و آن را توجیه غیر منطقی می‌نمایند. رشد سطح آگاهی و تربیت پذیری یکی از ویژه‌گی‌های مهم انسان است که بر همین اساس به موضوع تعلیم و تحصیل در جوامع مختلف توجه ویژه صورت گرفته است. در افغانستان زنان همیشه در ستیز برای دستیابی به حقوق اولیه انسانی خویش از جمله تعلیم و تحصیل بوده‌اند که متأسفانه پس از روی کار آمدن رژیم طالبان دختران از رفتن به مکتب منع شده‌اند.

این تحقیق میدانی با انتشار پرسشنامه به شکل آنلاین و مصاحبه در صدد آنست تا دیدگاه شهروندان افغانستان را در زمینه‌ی مخالفت و عدم مخالفت‌شان مبنی بر رفتن دختران به مکتب برجسته سازد تا بدین وسیله صحت و ثقم ادعای طالبان مبنی بر درخواست خانواده‌ها از بسته شدن مکاتب دخترانه را به اثبات برساند. باآنکه مردم افغانستان از شیوه‌های مختلف برای شریک سازی دیدگاه شان در این زمینه استفاده نموده اند و طی یکسال و چند ماه گذشته از جانب طالبان به این درخواست‌ها اهمیت داده نشده است کماکان مکاتب دخترانه بالاتر از صنف ششم مسدود می باشد. در ادامه‌ی تلاش‌های صورت گرفته، شبکه تحلیلگران بلاق نیز سعی نموده تا سهم در روشن سازی افکار عمومی جهانی و آنهایی که مدعی نمایندگی از افغانستان اند با اجرای این تحقیق داشته باشد. با تجزیه و تحلیل داده‌ها و مصاحبه با تعدادی از شهروندان افغانستان، به اثبات رسانیده می‌شود که ادعای طالبان صحت نداشته و شهروندان افغانستان خواستار باز شدن مکاتب دخترانه می باشند.

واژگان کلیدی

مکتب، دختران، آموزش، طالبان.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	بخش اول
۲	کلیات
۲	هدف و ضرورت تحقیق
۲	موضوع تحقیق
۲	سوالات تحقیق
۲	فرضیه ها تحقیق
۲	پیشینه ی تحقیق
۲	روش تحقیق
۲	جامعه آماری
۲	زمان تحقیق
۲	شیوه ی نظارت
۳	موانع و چالش های تحقیق
۳	تیم تحقیق
۴	بخش دوم: یافته های تحقیق
۴	فصل اول
۴	پیشینه ی حق تعلیم زنان و یافته های تحقیق
۴	الف: پیشینه ی حضور زنان در بخش های تعلیمی و تحصیلی
۴	ب: زنان و دسترسی به حق تعلیم و تحصیل تحت رژیم طالبان
۵	ج: یافته های تحقیق
۵	۱- معلومات عمومی در مورد اشتراک کنندگان سروی
۵	۱.۱- جنسیت
۵	۲.۱- سن
۶	۳.۱- تعلق نژادی
۷	۴.۱- ولایت
۸	۲- نتایج پاسخ به سوالات سروی
۸	۱.۲- آیا مخالف رفتن دختران به مکتب هستید؟
۸	۲.۲- آیا مخالف رفتن دختران به دانشگاه/پوهنتون هستید؟
۹	۳.۲- آیا در فامیل شما زن باسواد (قادر به خواندن و نوشتن) وجود دارد؟
۹	۴.۲- آیا در خانواده شما دانش آموز دختر است که با سقوط جمهوریت و آمدن طالبان از آموزش بازمانده باشد؟
۱۰	د: نتایج مصاحبه ها
۱۲	واکنش طالبان به بسته ماندن مکاتب دخترانه
۱۳	نتیجه گیری
۱۴	فصل دوم
۱۴	پیشنهادهای و ضمائم
۱۴	الف: پیشنهادات
۱۵	ب: ضمائم
۱۷	ج: فهرست منابع

تعلیم و تربیت یکی از نیازهای اصلی جامعه برای شگوفایی و پیشرفت بوده که توجه به آن می‌تواند مسیر روشن را برای آینده یک کشور و جامعه رقم بزند. معارف یک کشور از اجزا و عناصر مختلف اعم از مواد درسی، استاد، شاگرد، وسایل آموزشی، بودجه، فضای مناسب تعلیمی و تجهیزات آموزشی تشکیل می‌شود که با یکدیگر رابطه متقابل داشته تا بتوانند دستیابی به هدف مورد نظر را امکان پذیر سازد.^۱

زنان بعنوان نصف جامعه بشری و بخش ارزشمند آن تاثیر بسزایی در رشد و شکوفایی جوامع دارند. نفوس افغانستان در سال ۱۴۰۰ هـ ش به ۳۳.۶ میلیون نفر رسیده، که از جمله ۱۶.۵ میلیون آن را زنان و ۱۷.۱ میلیون آن را مردان تشکیل می دهند. با توجه به این ارقام زنان نزدیک به نصف جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند که باید به حیث یک انسان مطابق به قوانین ملی و بین المللی برایشان حق قائل شد و به تمامی ساختارهای رسمی و غیر رسمی که مبنی بر اعمال خشونت و تبعیض علیه زنان است، پایان داده شود.

حقوق زنان در افغانستان به شکل عام و حق دسترسی به تعلیم و تحصیل‌شان به شکل خاص در طول دهه‌های متواتر مورد تهاجم قرار گرفته و این بخش از جامعه از این حق خود محروم گردیده‌اند. تاریخ گواه این خشونت‌ها علیه زنان و دختران بوده است. پس از به قدرت رسیدن طالبان به تاریخ ۲۴ اسد سال ۱۴۰۰، مقامات طالبان براساس دستور ملا هیبت الله رهبر این گروه مکاتب دخترانه را مسدود نمودند.^۳ باآنکه فشارهای زیاد از جانب جامعه جهانی، نهادهای مستقل مدافع حقوق زنان و فعالین مدنی از طرق مختلف بر طالبان مبنی بر باز شدن مکاتب دخترانه اعمال گردید، اما مقامات طالبان بارها مدعی شدند که مکاتب دخترانه بنا به درخواست مردم افغانستان مسدود مانده است^۴، در واقع مردم افغانستان را مقصر باز نشدن مکاتب معرفی نموده‌اند.

در این تحقیق پس از بیان کلیات تحقیق به پیشینه‌ی تاریخی حضور زنان در بخش تعلیمی و تحصیلی، دسترسی زنان به حق تعلیم و تحصیل تحت رژیم طالبان پرداخته شده است. پس از آن یافته‌های تحقیق با تجزیه و تحلیل ارقام و شریک سازی مصاحبه‌ها با شهروندان افغانستان به بررسی گرفته شده است. در اخیر تحقیق با نتیجه‌گیری و ارایه پیشنهادات به پایان رسیده است.

۱. ملکی، حسن، برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)، مشهد: پیام اندیشه، چاپ ششم، ص 13.

۲. اداره ملی احصائیه و معلومات، سالنامه احصائی، 1400، شماره 43، ثور 1401، ص 7.

۳ وزارت معارف: دیروز حکم مسدود ماندن مکاتب متوسطه و لیسه دختران را دریافت کردیم (شهروند نیز)

<https://shahrwandnews.com/%D9%88%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%AA-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D9%81-%D8%AF%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B2-%D8%AD%D8%A9%D9%85-%D9%85%D8%B3%D8%AF%D9%88%D8%AF-%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%AF%D9%86-%D9%85%DA%A9%D8%A7%D8%AA>

۴. مسدود ماندن مکاتب دخترانه به دلیل محدودیت‌های فرهنگی (آژانس خبری افغان)

<http://afghannews.af/%D9%85%D8%B3%D8%AF%D9%88%D8%AF-%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%AF%D9%86-%D9%85%DA%A9%D8%>

بخش اول

کلیات

هدف و ضرورت تحقیق

هدف اصلی تحقیق حاضر، برجسته سازی دیدگاه شهروندان افغانستان در رابطه به مخالفت و عدم مخالفت شان از رفتن دختران به مکاتب است تا بدین وسیله صحت و ثقم ادعای طالبان مبنی بر درخواست شهروندان افغانستان از بسته شدن مکاتب دخترانه به اثبات برسد.

ضرورت اساسی این تحقیق در اینست که دیدگاه شهروندان افغانستان با تعلقات قومی و موقعیت جغرافیایی متفاوت برجسته شده تا بطور واضح تفهیم صورت گیرد که مبنی تصمیم گیری و اتخاذ تصمیم طالبان کدام منطقه و قومیت فرهنگی افغانستان می باشد.

موضوع تحقیق

موضوع اصلی این تحقیق بررسی دیدگاه شهروندان افغانستان در پیوند به مسدود ماندن مکاتب دخترانه در این کشور می باشد.

سوالات تحقیق

برای این تحقیق دو سوال اساسی در نظر گرفته شده و تلاش به عمل آمده تا با توجه به مدارک و دلایل موجود به آنها پاسخ داده شود؛

۱. آیا مبنای تصمیم طالبان از بسته بودن مکاتب دخترانه، خواست مردم افغانستان است؟
۲. چرا اعمال تبعیض بر زنان در بخش آموزش و پرورش اولویت طالبان را تشکیل داده است؟

فرضیه ها تحقیق

فرضیه های ذیل برای این تحقیق مطرح شده است؛

۱. مسدود ماندن مکاتب دخترانه مخالف به ارزشهای مردم افغانستان و دین اسلام می باشد با مسدود ماندن آن پیامدهای زیان بار متوجه جامعه در طولانی مدت می گردد.
۲. اکثریت نزدیک به کل مردم افغانستان از حق دسترسی به آموزش و پرورش دختران حمایت می نمایند.
۳. طالبان بدون توجه به خواست مردم افغانستان و حکم شریعت براساس برنامه‌ی سیاسی به بسته ماندن مکاتب دخترانه تاکید می کنند.

پیشینه‌ی تحقیق

در پیوند به وضعیت زنان و به ویژه محرومیت دختران افغانستان از حق آموزش بنا به رویکرد زن ستیزانه‌ی طالبان گزارش و تحلیلهای متنوعی در رسانه‌های خبری و بعضا تحقیقات نیز صورت گرفته است. اما مزیت این تحقیق در این است که تعداد زیادی از شهروندان افغانستان از نزدیک به کل ولایات و قومیت‌های مختلف در سروی و مصاحبه ها سهیم بوده‌اند که می تواند بنحوی پیام کلیت مردم افغانستان را با خود داشته باشد.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ روش کیفی و کمی بوده و از لحاظ محتوی کاربردی و جمع آوری اطلاعات آن بشکل شریک سازی سوالنامه، کتابخانه‌ای و مصاحبه می باشد.

جامعه آماری

این تحقیق با شریک سازی پرسشنامه به طور آنلاین برای ۵۰۰ تن از شهروندان افغانستان در ۳۴ ولایت کشور صورت گرفته است و با ده تن مصاحبه انجام شده است که می توان آنرا بر بخش بزرگی از نفوس افغانستان تعمیم داد.

زمان تحقیق

این تحقیق در ماه اگست ۲۰۲۲ طرح و برای دریافت پاسخ از طریق پرسشنامه دو ماه (سپتمبر و اکتبر ۲۰۲۲) و برای مصاحبه یکماه (اکتبر ۲۰۲۲) در نظر گرفته و اجرا شد. یافته‌های تحقیق در ماه نوامبر ۲۰۲۲ تحلیل و تحریر گردید.

شیوه‌ی نظارت

بمنظور دریافت پاسخ‌های دقیق و جلوگیری از درج اطلاعات نادرست، هر اشتراک کننده در قدم نخست توسط تیم تحقیق شناسایی گردیده، سپس هماهنگی صورت گرفته و بعد از آن در مدت زمان مشخص لینک آنلاین سوالنامه‌ها با آنها شریک شده است که هر اشتراک کننده قادر به درج پاسخ و ارسال آن صرف برای یکبار بود. براساس نظارت صورت گرفته ما باورمند هستیم که اطلاعات موجود از جانب افراد حقیقی بدون دخالت فرد سوم درج گردیده است.

موانع و چالش‌های تحقیق

بدون شک هر تحقیق دارای چالش‌هایی می‌باشد که این مورد نیز از آن مستثنی نیست، چالش‌هایی که ما در این تحقیق به آن رو به رو بودیم شامل موارد ذیل می‌باشد؛

- سانسور اطلاعات از جانب رژیم حاکم؛
- عدم پاسخ‌دهی مسئولان طالبان به سوالات مطرح شده؛
- نبود امنیت لازم برای محققین در افغانستان که بتواند بطور آزادانه به جمع‌آوری اطلاعات بپردازند؛
- کمبود منابع مالی.

تیم تحقیق

این تحقیق توسط اعضای شبکه تحلیل‌گران بلاق انجام یافته، که شامل افراد ذیل می‌باشد.

تحلیل داده‌ها و تحریر گزارش تحقیق

- طبیه جعفری؛^۵
- علی تایی میرکشه.^۶

همکاران در جمع‌آوری اطلاعات و مصاحبه

- تیم تحقیق شبکه‌ی تحلیل‌گران بلاق

صفحه‌آرایی و دیزاین

- علی تایی میرکشه
- حبیب پیمان

^۵ طبیه جعفری مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌ی حقوق خصوصی داشته و تجربه چندین ساله‌ی کار با نهادهای ملی و موسسات خصوصی و بین‌المللی در افغانستان دارد.

^۶ اسم مستعار

بخش دوم: یافته‌های تحقیق

فصل اول

پیشینه‌ی حق تعلیم زنان و یافته‌های تحقیق

الف: پیشینه‌ی حضور زنان در بخش‌های تعلیمی و تحصیلی

حضور و فعالیت زنان در طول سال‌های متمادی به دلایل مختلفی چون ناامنی، قیودات اجتماعی و عرف‌های ناپسند فرهنگی شاهد فراز و نشیب‌های زیادی بوده و زنان قربانیان مداوم فرهنگ و جامعه تلقی می‌گردند. این تبعیض تاریخی و خشونت علیه زنان چنان فاحش است که آنها را از اساسی‌ترین حقوق‌شان که دسترسی به حق تعلیم و تحصیل است، محروم نگه داشته است.

بررسی تاریخی تعلیم و تحصیل زنان در افغانستان دامنه‌ی وسیعی توأم با نوسانات دارد. مثلث امان الله خان، ملکه ثریا و محمود طرزی در ذیل اصلاحات امانی و برنامه‌های مدرنیزه‌سازی افغانستان، اولین مکتب نسوان را در کابل در کامپلکس «مستورات» میان سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ تأسیس و افتتاح نمود. در همین دوره برای اولین بار تعدادی از دختران برای تحصیل به خارج از کشور فرستاده شدند. اما این تلاش‌ها برای به صحنه آوردن زنان و توانمندسازی آنان با حق تعلیم و تحصیل مورد تهاجم و انتقاد اقشار سنتی جامعه قرار گرفت و با مخالفت‌های جدی مواجه شد و به خیزش‌ها و شورش‌های سیاسی و براندازانه نیز انجامیده است. سقوط حکومت امانی و روی کار آمدن حبیب الله کلکانی و سپس نادرشاه (۱۳۰۸-۱۳۱۲) به گونه‌ای متأثر از واکنش لایه‌های سنتی به گرایش جدید در سطح رسمی برای به صحنه آوردن زنان و فعال ساختن نیمه‌ی پنهان جامعه بود. از جمله واکنش‌های واضحی نسبت به اعزام دختران افغانستان برای تحصیل به خارج از کشور صورت گرفت که در دیدگاه سنتی، اوج قباحت شمرده می‌شد.

پس از یک دوره رکود در دوران نادرشاه، با روی کار آمدن ظاهرشاه در سال ۱۳۱۲ مجدداً تلاش‌ها برای زمینه‌سازی تعلیم و تحصیل دختران ادامه یافت. مکتب نسوان «عصمت» که بعدها به لیسه‌های ملالی و زرغونه ارتقا یافت، یکی از گام‌های اساسی در این زمینه بود. با این که تا سال‌های بعد، حق تعلیم محدود به پایتخت و یا در بهترین حالت به شهرهای بزرگ باقی مانده بود، اما روند امیدوار کننده‌ی رقم خورده بود که بعدها با عبور از دیوارهای شهر، حق دسترسی به تعلیم و تحصیل برای دختران به قریه‌ها اطراف نیز رسید.^۷

در هر حال، این روند همواره با مخالفت اقشار سنتی جامعه مواجه بود. آنان تحصیل دختران و آموزش آنان را مخالف عنعنات اجتماعی و به گونه‌ای ننگ می‌دانستند. در جامعه‌ای با ساختار نیمه فئودالی که در آن خان‌ها و ملاکین و ملاها نقش اصلی را در تعریف حرکت جامعه ایفا می‌نمودند، با وجود تغییرات زیاد، دختران در بیرون از شهرها و به خصوص در مناطق جنوبی و مشرقی کشور، هیچ‌گامی نتوانستند بی‌دغدغه به حق تعلیم و تحصیل دست یابند. ایده‌های زن ستیزانه و مغزهای پوچی که زنان را فقط دستگاه تولید مثلی بیش نمی‌دانند و آنها را مورد خرید و فروش و انواع مختلف خشونت قرار می‌دهند، قطعاً با باسوادی و آگاهی زنان مشکل دارند و برایشان با تفسیر اشتباه از دین مانع ایجاد می‌کنند.

اما با وجود تمام مشکلات زنان افغانستان به مبارزه برای دستیابی به حق تعلیم و تحصیل ادامه دادند. آنان حضور و فعالیت‌های گسترده و چشم‌گیری در تمام سطوح مخصوصاً در بخش‌های تعلیمی و تحصیلی در طول سال‌های گذشته تا زمان به قدرت رسیدن طالبان داشتند. به اساس سروی جدیدی که در سال ۱۴۰۰ توسط وزارت معارف صورت گرفته تعداد مجموعی مکاتب در سطح کشور ۱۶۵۶۳ باب بوده است. تعداد مجموعی شاگردان مکاتب به ۹۵۰۲۶۹۲ نفر میرسد که از جمله شاگردان ۳۷۳۳۶۷۲ آنرا دختران تشکیل می‌دهند. این ارقام دربرگیرنده مکاتب ابتدائیه، متوسطه، لیسه، لیسه‌های مسلکی، تربیه معلم، انستیتوت‌های تکنیکی و مسلکی و تعلیمات دینی می‌باشد. مجموع معلمان در سال ۱۴۰۰ به تعداد ۲۰۳۷۵۴ نفر می‌باشد که از آن جمله ۷۰۱۷۱ آنرا زنان تشکیل می‌دهند. در سال ۱۴۰۰ تعداد کورس‌های سواد آموزی به ۲۰۵۸ باب، تعداد مجموعی شاگردان آن ۴۱۳۳۹ نفر و تعداد فارغان ۱۴۸۸۹ نفر می‌باشند.

در سال مالی ۱۴۰۰۸ تعداد دانشگاه‌ها و موسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی در افغانستان ۱۶۷ باب، تعداد دانشگاه‌ها ۶۹۰ باب و تعداد انستیتوت‌های علوم صحنی ۱۰ باب می‌باشد که به تعداد ۳۵۱۲۳۱ محصل مصروف تحصیل اند و از جمله ۱۰۳۸۵۴ محصل آنرا زنان تشکیل می‌دهند. در سال ۱۴۰۰ تعداد استادان تحصیلات عالی ۱۶۸۴۵ استاد بوده که ۲۴۲۳ نفر آنرا استادان زن تشکیل می‌دهند.^۹

ب: زنان و دسترسی به حق تعلیم و تحصیل تحت رژیم طالبان

در قرن بیستم زمانی که کشورهای جهان پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری می‌پیمودند، افغانستان تمام قرن را در دغدغه‌ی رفتن و نرفتن دختران به مکتب سپری کرد. طالبان در مرحله اول حکومت شان نیز دختران را از رفتن به مکاتب و دانشگاه‌ها باز داشتند که این امر از طرز تفکر قبیله‌ای و زن ستیزانه‌ی آنها برچسب اسلامی ناشی می‌گردد.

با توجه به اینکه آمار بیسوادی در افغانستان پیش از حکومت دور اول طالبان بالا بود که ۹۰٪ دختران و ۶۰٪ پسران را دربر می‌گرفت، بدین ترتیب سیاست‌های جنسیتی طالبان صرفاً به تشدید بحران موجود انجامید. طالبان پس از تسخیر کابل در مدت سه ماه ۶۳ مکتب را بستند. در اثر این اقدام ۱۰۳۰۰۰ دختر و ۱۴۸۰۰۰ پسر از تعلیم باز ماندند و ۱۱۲۰۰ معلم که بیش از

۷. غبار، میر غلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، سال ۱۳۴۶، مطبوعه دولتی، ص ۵۹۵.

۸. سال مالی براساس تصمیم دولت جمهوری اسلامی افغانستان از ماه جدی آغاز و با ختم ماه قوس نهایی می‌شد.

۹. اداره ملی احصائیه و معلومات، سالنامه احصائیوی ۱۴۰۰، شماره ۴۳، ثور ۱۴۰۱، ص ۶۲.

هفت هزار تن آنان را زنان تشکیل میدادند از تدریس محروم شدند. آنان دانشگاه کابل را تعطیل کردند و بدین ترتیب حدود ۱۰۰۰۰ محصل که ۴۰۰۰ آنان دختر بود راهی خانه‌های خود شدند.^{۱۰}

پس از به قدرت رسیدن دوباره‌ی طالبان به تاریخ ۲۴ اسد ۱۴۰۰ مصادف به ۱۵ اگست ۲۰۲۱، ظلم تاریخ علیه زنان و دختران افغانستان دوباره تکرار شد. طالبان دوباره به نمایندگی از تفکر منحصر به فرد شان به گروگان‌گیری حق تعلیم و تحصیل دختران در برابر مطالبات‌شان از جامعه بین‌المللی زنان را از حق‌شان محروم کردند. آنها مکاتب دخترانه‌ی صنف ششم الی دوازدهم را بستند و با این اقدام‌شان مورد اعتراضات شدید ملی و بین‌المللی قرار گرفتند و برای توجیه این کارشان، ادعای دیگری را مبنی بر خواست مردم از بسته شدن مکاتب دخترانه مطرح کردند. سرپرست وزارت معارف طالبان، شیخ نورالله منیر به تاریخ ۲۰ سنبله سال ۱۴۰۱ در یک نشست خبری در ارزگان گفت "مردم دوست ندارند که دختران‌شان در شرایط فعلی درس بخوانند. اگر به اصول مردم توجه نشوند مردم شورش می‌کنند."^{۱۱}

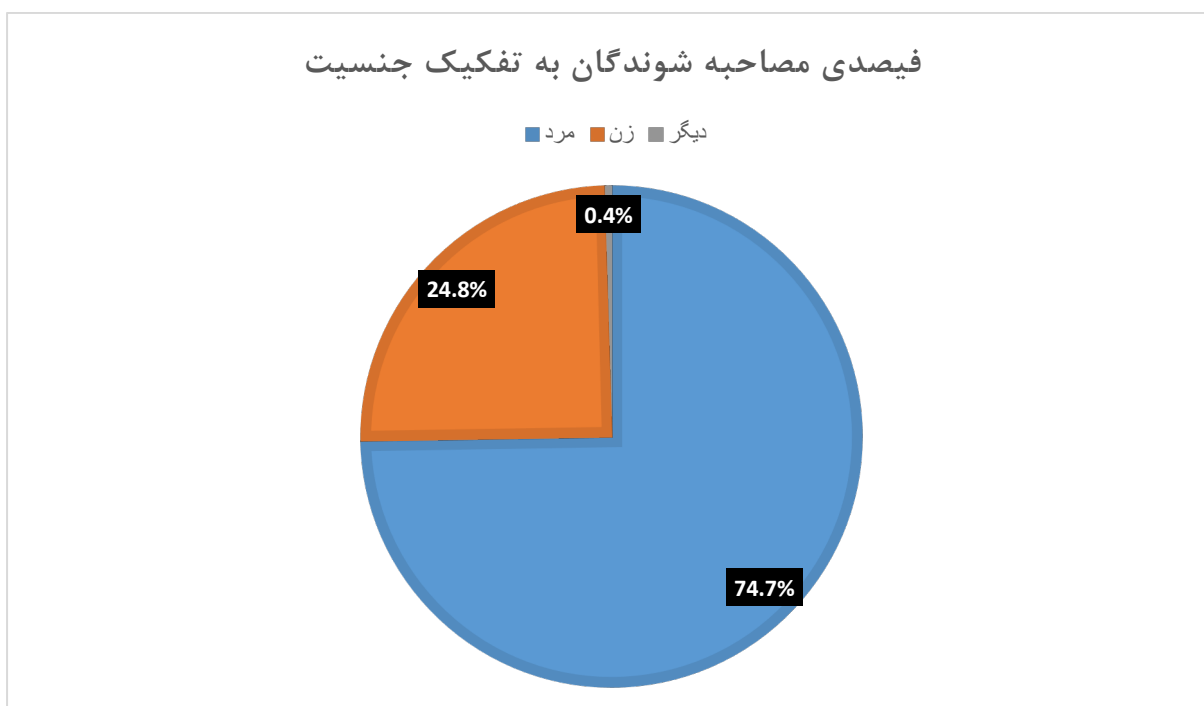
این تحقیق میدانی برای دانستن دیدگاه شهروندان در رابطه به این ادعا توسط شبکه تحلیل‌گران بلاق در تمام افغانستان به راه انداخته شده است تا به شکل مستند دیدگاه مردم را در رابطه به مخالفت و عدم مخالفت‌شان از رفتن دختران به مکتب واضح سازد.

ج: یافته‌های تحقیق

۱- معلومات عمومی در مورد اشتراک کنندگان سروی

۱.۱- جنسیت

بطور مجموعی بتعداد ۵۰۰ تن از شهروندان افغانستان در این سروی سهم گرفته که در این میان ۷۴.۷٪ مرد، ۲۴.۸٪ زن و ۰.۴٪ مصاحبه شونده‌گان گزینه دیگر را انتخاب نموده اند. بیشتر مصاحبه‌شونده‌گان مردان هستند، چون تبعیض وارده علیه دختران یک تبعیض جنسیتی است و ما در صدد برجسته سازی دیدگاه شهروندان افغانستان مخصوصا مردان می باشیم.



۲.۱- سن

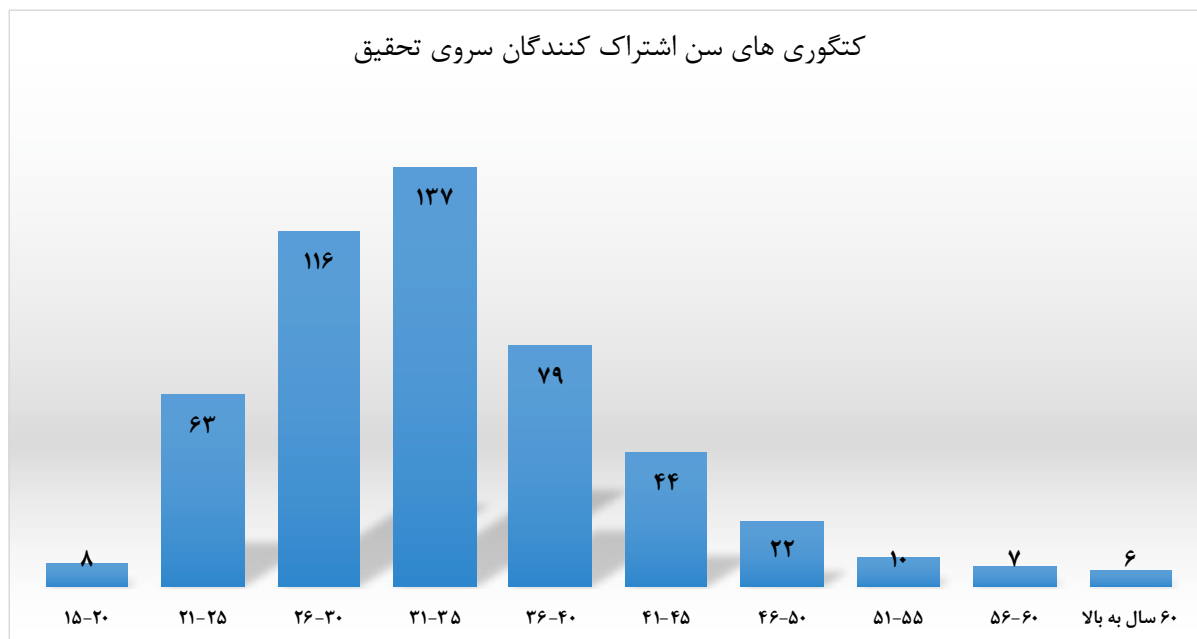
به دلیل حیاتی بودن موضوع و دانستن دیدگاه سنین مختلف در این رابطه، سن دیزاین شده از ۱۵ آغاز و با اضافه شدن پنج پنج سال الی بالاتر از ۶۰ سال می‌باشد. ۴۹۲ تن از افراد که در سروی سهیم بودند به این سوال پاسخ داده اند. طوریکه در نمودار ذیل مشاهده می‌کنید ۸ نفر در گروه سنی ۱۵-۲۰ سال قرار دارند که فیصدی آن به ۱.۶٪ می‌رسد، ۶۳ نفر در گروه سنی ۲۱-۲۵ سال قرار دارند که ۱۲.۸٪ اشتراک کنندگان تحقیق را در بر می‌گیرند. به همین ترتیب ۱۱۶ نفر در گروه سنی ۲۶-۳۰ که ۲۳.۶٪، ۱۳۷ نفر در گروه سنی ۳۱-۳۵ که ۲۷٪، ۷۹ نفر در گروه سنی ۳۶-۴۰ که ۱۶.۱٪، ۴۴ نفر در

¹⁰ . رشید، احمد ، طالبان، ترجمه: اسدالله شفاهی و صادق باقری، انتشارات دانش هستی، ۱۳۷۹.

¹¹ <https://8am.media/taliban-ministry-of-education-people-do-not-want-girls-schools-to-be-reopened/>

هشت صبح، وزارت معارف طالبان، مردم نمی‌خواهند که مکاتب دخترانه باز گشایی شود.

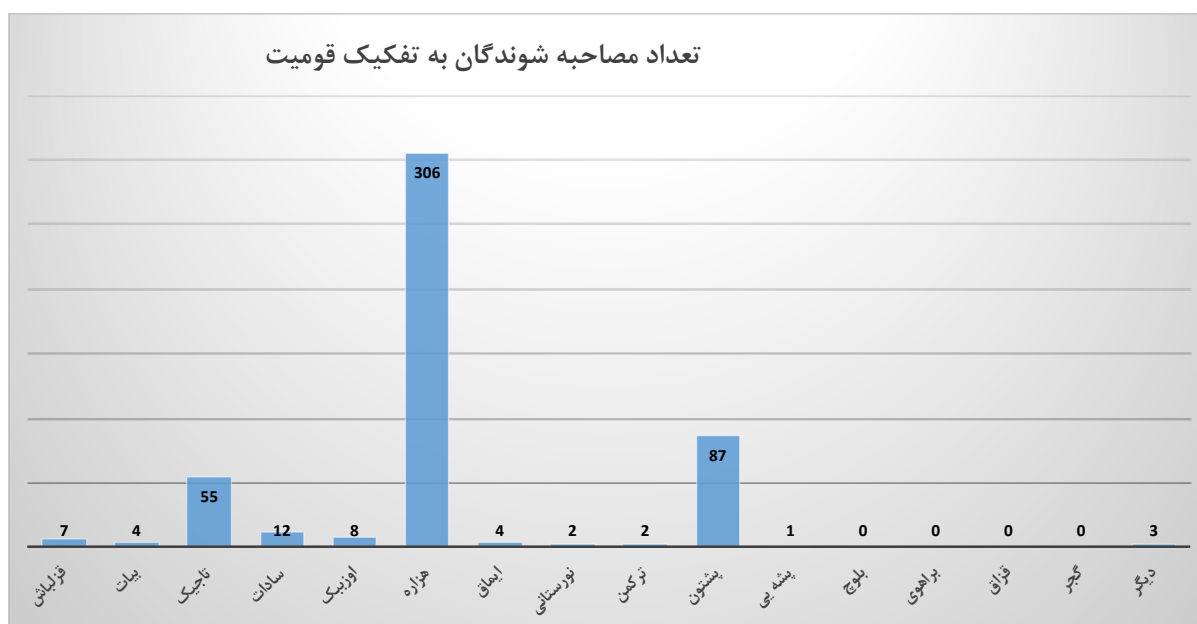
گروه سنی ۴۱-۴۵ که ۸.۹٪، ۲۲ نفر در گروه سنی ۴۶-۵۰ که ۴.۵٪، ۱۰ نفر در گروه سنی ۵۱-۵۵ که ۲٪، هفت نفر در گروه سنی ۵۶-۶۰ که ۱.۴۵٪ و شش نفر در گروه سنی بالاتر از ۶۰ سال قرار دارند که ۱.۲٪ اشتراک کننده‌گان تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند.



۳.۱ - تعلق نژادی

با وجود حضور اقوام مختلف در افغانستان و با توجه به این مزیت ما سعی نمودیم تا زمینه حضور همه افراد با تعلق قومی مختلف را در این سروی فراهم ساخته و نظریات شانرا داشته باشیم هر چند طالبان ادعای مسدود ساختن مکاتب دخترانه را به قوم خاصی نسبت نداده‌اند.

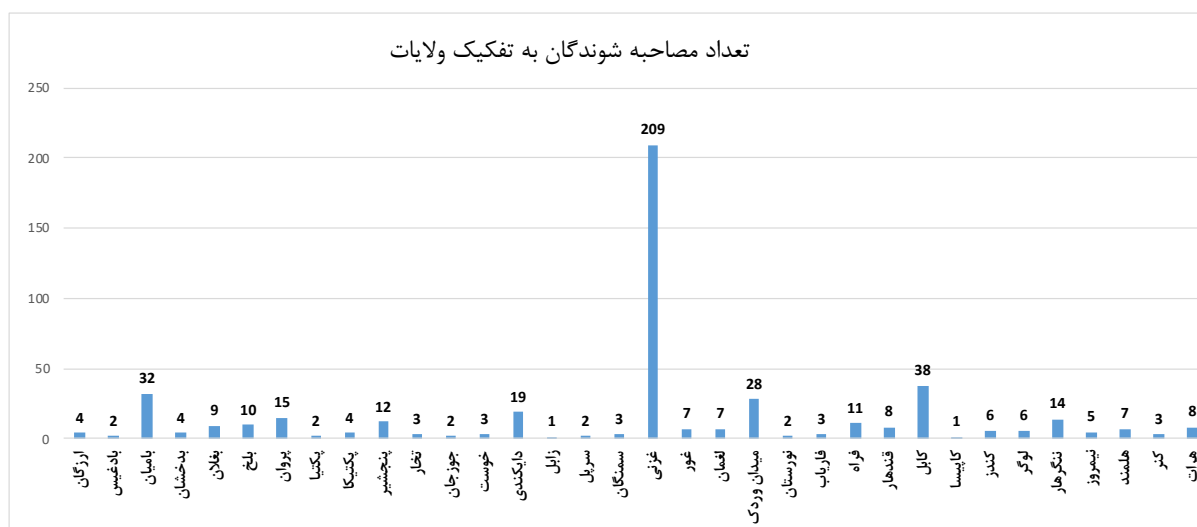
به تعداد ۴۹۲ نفر از مجموع اشتراک کنندگان این سروی به این سوال پاسخ داده‌اند که شرح آن در نمودار ذیل درج می‌باشد. که از این میان ۷ نفر از قوم قزلباش که ۱.۴٪ اشتراک کنندگان تحقیق را تشکیل می‌دهند و به ترتیب ۴ نفر از قوم بیات که ۰.۸٪، ۵۵ نفر از قوم تاجیک که ۱۱.۲٪، ۱۲ نفر از قوم سادات که ۲.۴٪، ۸ نفر از قوم اوزبیک که ۱.۶٪، ۳.۶ نفر از قوم هزاره که ۰.۶۲٪، ۴ نفر از قوم ایماق که ۰.۸٪، ۲ نفر از قوم نورستانی که ۰.۴٪، ۲ نفر از قوم تورکمن که ۰.۴٪، ۸۷ نفر از قوم پشتون که ۱۷.۷٪، یک نفر از قوم پشه‌یی که ۰.۲٪ و سه نفر از سایر اقوام که ۰.۶٪ اشتراک کنندگان تحقیق را تشکیل می‌دهند.



۴.۱ - ولایت

یکی از برجستگی مهم دیگر این تحقیق حضور افراد از ۳۴ ولایت افغانستان می باشد. طوریکه قبلا تذکر دادیم، در این تحقیق به دلیل مهم بودن موضوع و دانستن دیدگاه تمام شهروندان افغانستان سعی بر آن گردیده است که پرسشنامه توسط شهروندان افغانستان خانه پری گردد، که خوشبختانه به این هدف نایل گردیدیم.

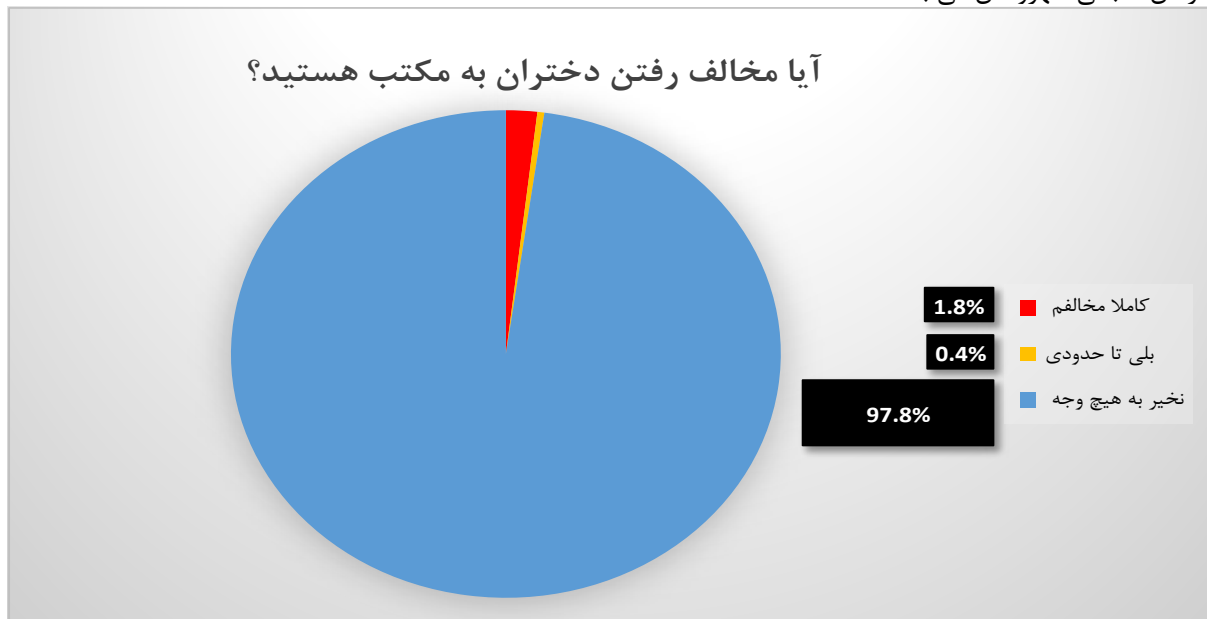
در نمودار ذیل تعداد اشتراک کننده گان به تفکیک ولایات مشخص گردیده است. چنانچه مشاهده می کنید ۴۹۰ نفر به این پرسش پاسخ داده اند که در این میان، چهار چهار نفر از ولایات ارزگان، بدخشان، پکتیکا که هر یک به نوبه ی خود ۰.۸٪، ۳.۲٪، ۱.۸٪، ۶.۵٪، ۹ نفر از ولایت بغلان که ۱.۸٪، ده نفر از ولایت بلخ که ۲٪، ۱۵ نفر از ولایت پروان که ۳.۱٪، ۱۲ نفر از ولایت پنجشیر که ۲.۴٪، دو نفر از ولایات بادغیس، پکتیا، جوزجان، سرپل و نورستان که هر یک به نوبه ی خود ۰.۴٪، سه سه نفر از ولایات سرپل، تخار، خوست، سمنگان، فاریاب و کنر که هر یک به نوبه ی خود ۰.۶٪، ۱۹ نفر از ولایت دایکندی که ۳.۹٪، یک نفر از ولایات زابل و کاپیسا که هر یک به نوبه ی خود ۰.۲٪، ۲۰۹ نفر از ولایت غزنی که ۴۲.۷٪، هفت نفر از ولایات غور، لغمان و هلمند که هر یک به نوبه ی خود ۱.۴٪، ۲۸ نفر از ولایت میدان وردک که ۵.۷٪، ۱۱ نفر از ولایت فراه که ۲.۲٪، هشت نفر از ولایات هرات و قندهار که هر یک به نوبه ی خود ۱.۶٪، ۳۸ نفر از ولایت کابل که ۷.۸٪، شش شش نفر از ولایات کندز و لوگر که هر یک به نوبه ی خود ۱.۲٪، ۱۴ نفر از ولایت ننگرهار که ۲.۹٪ و پنج نفر از ولایت نیمروز که ۱٪ اشتراک کننده گان تحقیق را تشکیل می دهند.



۲- نتایج پاسخ به سوالات سروی

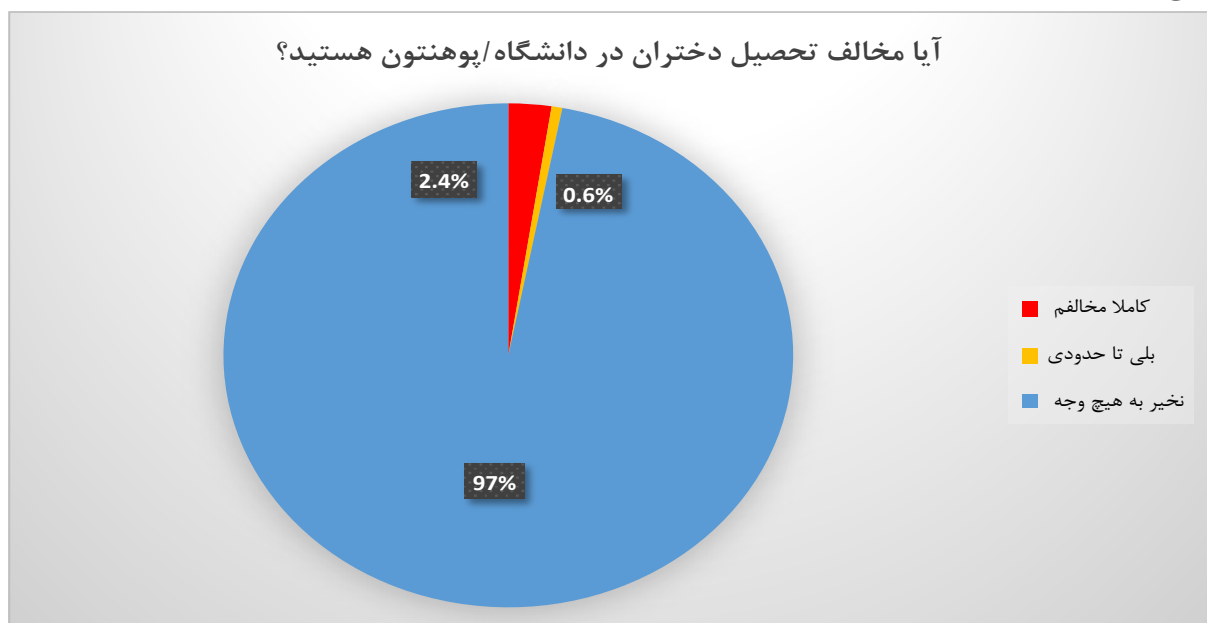
۱.۲- آیا مخالف رفتن دختران به مکتب هستید؟

پس از به دست آوردن اطلاعات جنسیت، سن، قومیت و سکونت اشتراک کنندگان در سروی، سوال بسته‌ای در پرسشنامه مطرح گردید که آیا مخالف رفتن دختران به مکتب هستید؟ این سوال توسط ۴۹۱ نفر چنانچه در چارت ذیل می‌بینید پاسخ داده شده است. توسط این سوال می‌خواهیم به نتیجه مثبت یا منفی بودن ادعای طالبان مبنی بر خواست خانواده‌ها از نرفتن دختران‌شان به مکتب و دیدگاه شهروندان در زمینه برسیم. برای این سوال سه پاسخ در نظر گرفته شده بود که از این میان ۴۸۰ نفر که برابر است با ۹۷.۸٪ اشتراک کنندگان، پاسخ داده‌اند که نخیر به هیچ وجه مخالف رفتن دختران به مکتب نیستیم، یعنی دختران باید به مکتب بروند. دو نفر از اشتراک کنندگان که ۰.۴٪ را تشکیل می‌دهند جواب داده‌اند که بلی تا حدودی مخالف رفتن دختران هستند. و در این میان ۹ نفر که ۱.۸٪ اشتراک کنندگان را تشکیل می‌دهند کاملاً مخالف رفتن دختران به مکتب هستند. بنظر می‌رسد مبنی تصمیم طالبان دیدگاه یک فیصد اخیر و نادیده گرفتن متباقی شهروندان می‌باشد.



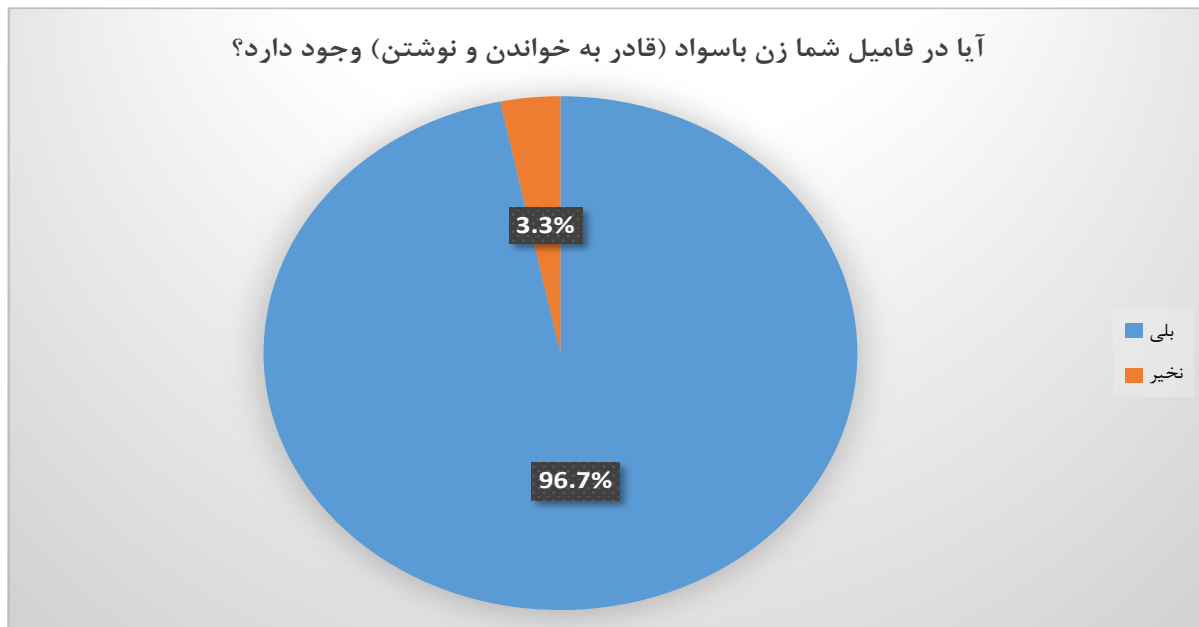
۲.۲- آیا مخالف رفتن دختران به دانشگاه/پوهنتون هستید؟

سوال دیگری از اشتراک کنندگان در زمینه تحصیل دختران در دانشگاه مطرح گردید؛ که آیا مخالف تحصیل دختران در دانشگاه/پوهنتون هستید؟ این سوال توسط ۴۹۳ نفر پاسخ داده شده که در این میان ۴۷۸ نفر معادل ۹۷٪ اشتراک کنندگان جواب دادند که نخیر به هیچ وجه مخالف تحصیل دختران در مقطع تحصیلی دانشگاه نیستند. سه نفر که ۰.۶٪ اشتراک کنندگان را تشکیل می‌دهند جواب داده‌اند که بلی تا حدودی مخالف این موضوع هستند و ۱۲ نفر که ۲.۴٪ اشتراک کنندگان را تشکیل می‌دهند کاملاً مخالف رفتن دختران به دانشگاه هستند که این رقم نسبت به ادعای وارده بسیار ناچیز است.



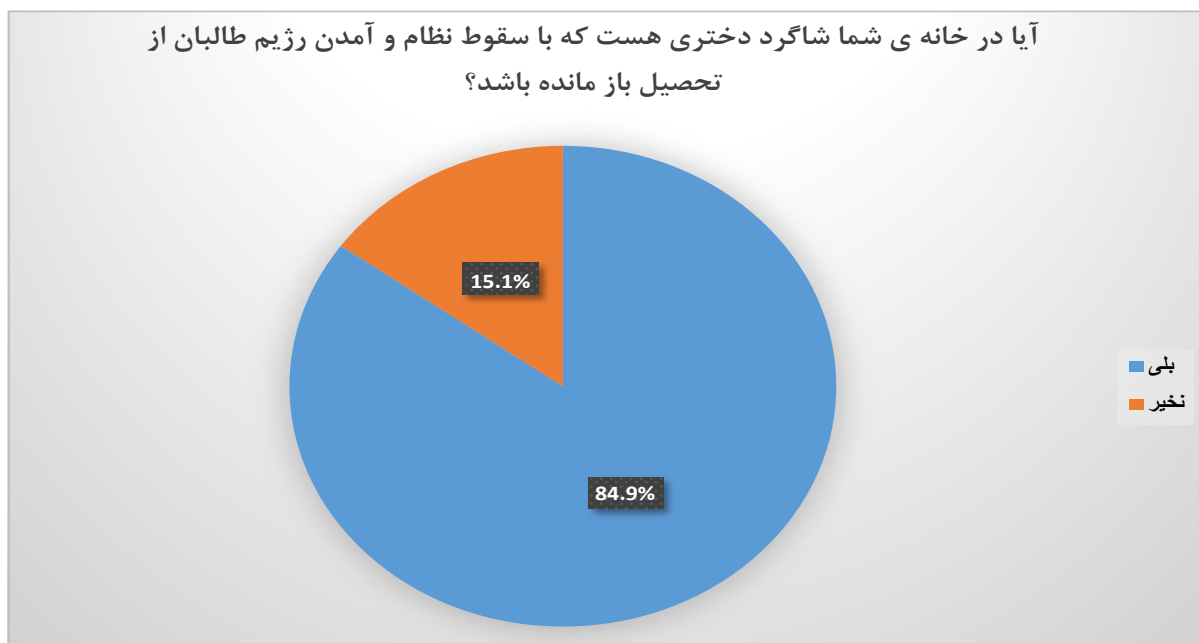
۳.۲- آیا در فامیل شما زن باسواد (قادر به خواندن و نوشتن) وجود دارد؟

سوال دیگری از اشتراک کنندگان جهت سنجش پیشینه‌ی دادن حق تعلیم به زنان در خانواده‌ها در پرسشنامه به این گونه درج گردید که آیا در فامیل شما زن باسواد (قادر به نوشتن و خواندن) وجود دارد؟ ۴۹۲ نفر به این سوال پاسخ دادند که ۴۷۶ نفر معادل ۹۶.۷٪ اشتراک کنندگان جواب مثبت دادند مبنی بر حضور زن با سواد در فامیل‌شان و تنها در ۱۶ فامیل معادل ۳.۳٪ هیچ زن با سواد وجود ندارد. رقم ۹۶.۷٪ بیانگر دسترسی زنان به حق تعلیم همراه با رضایت فامیل‌های‌شان است.



۴.۲- آیا در خانواده شما دانش آموز دختر است که با سقوط جمهوریت و آمدن طالبان از آموزش بازمانده باشد؟

برای دانستن فیصدی ضرر و خشونت وارده توسط طالبان بالای دختران مبنی بر بسته شدن مکاتب دخترانه سوال دیگری در پرسشنامه چنین درج گردید؛ آیا در خانه‌ی شما شاگرد دختری هست که با سقوط نظام و آمدن رژیم طالبان از تحصیل باز مانده باشد؟ چنانچه در نمودار زیر مشاهده می‌کنید، این سوال توسط ۴۹۱ نفر پاسخ داده شده است که در این میان ۴۱۷ نفر معادل ۸۴.۹٪ جواب مثبت دادند، بدین معنی که با روی کار آمدن طالبان، دختران ۴۱۷ فامیل که شاید در هر فامیل چند دختر حضور داشته باشند، از رفتن به مکتب باز مانده‌اند. ۷۴ نفر معادل ۱۵.۱٪ پاسخ منفی به این پرسش داده‌اند که می‌تواند شامل خانواده‌هایی شوند که شاگرد مکتبی دختر ندارند و یا حداقل در آن ولایت مکاتب دخترانه باز است.



د: نتایج مصاحبه‌ها

بمنظور دریافت بیشتر دیدگاه شهروندان افغانستان با تعداد ۱۰ تن مصاحبه از طریق تلفن و نرم افزار زوم صورت گرفت که یافته‌های آن قرار ذیل می‌باشد.

«مسدود ماندن مکاتب هیچ پشتوانه‌ی دینی و مذهبی ندارد» (مولوی محمد بشیر)

مولوی محمد بشیر، ملا امام یکی از مساجد در مرکز شهر غزنی در مصاحبه‌ای که با شبکه‌ی تحلیلگران بلاق داشت، چنین می‌گوید: «اولین کلمه‌ای که بر پیامبر بزرگ اسلام (ص) نازل شده امر به خواندن (اقرا) است. این نشان می‌دهد که در اسلام خواندن یا در واقع فراگیری علم و دانش از اولویت بالایی برخوردار می‌باشد». وی همچنان معتقد است که در این زمینه آیات و احادیث فراوانی وجود دارد که فراگیری علم را برای همه تاکید نموده است. وی معتقد است که در منابع دینی هیچ موردی وجود ندارد که علم و دانش را به جنس یا موضوع خاص منحصر نموده باشد. آقای بشیر در پاسخ به این سوال که پس مبنای تصمیم طالبان چی می‌تواند باشد؟ سکوت کرد. این سکوت احتمالا ناشی از ترس سرکوب و پیامدهای بعدی آن می‌تواند باشد. ایشان با تذکر این جمله که علاقه‌ای به موضوعات سیاسی ندارم به مصاحبه خاتمه دادند.

«من، آخرین نسل از دختران دانشگاهی‌خ. اهِم بود» (شازیہ ندا)

شازیہ ندا، باشندہی اصلی ولسوالی لعل و سرجنگل ولایت غور که برای فراگیری کورسهای آموزشی به کابل آمده و به تازه گی امتحان کنکور را سپری نموده است می‌گوید: «قیودات وضع شده باعث شده هزاران دختر در افغانستان ضمن محروم شدن از فراگیری دانش، به مشکلات عدیده ای دچار شوند». وی می‌افزاید: «دخترانی را می‌شناسم که بدلیل مسدود بودن مکاتب به مشکلات روحی و روانی دچار شده و اکنون بطور کامل گوشه‌گیری را اختیار نموده‌اند». بانو ندا در پاسخ به این سوال که آینده را چگونه می‌بیند؟ می‌گوید: «با تداوم حکومت طالبان با این نوع سیاست و رویکرد هیچ امید برای آینده خصوصا برای زنان و دختران وجود ندارد، من ممکن آخرین نسل از دختران دانشگاهی در داخل افغانستان باشم». وی همچنان باورمند است که طالبان بدون هیچ توجیه منطقی و انسانی این تصمیم را اتخاذ نموده و از روی لجابت و تاریکی فکری بر تداوم آن تاکید دارند.

«در جامعه‌ی هزاره بیسواد بودن به یک شرم تبدیل شده بود» (محمد حسین علی زاده)

محمد حسین علی زاده باشندہی شهرک جبرئیل شهر هرات که اکنون دو دخترش از حق آموزش محروم گردیده‌اند می‌گوید: «تاریخ ما سیاه و تاریک بود، در این میان فرصتی که بیست سال برای ما مهیا گردید، مردم فراگیری علم را در صدر اولویت های خود قرار داده بودند». وی می‌افزاید: «باآنکه خودم تحصیلات آنچنانی ندارم، اما از هیچ نوع حمایت و فداکاری که باعث می‌شد تا فرزندانم درس بخوانند دریغ نکردم چون بیسوادی در جامعه هزاره تبدیل به شرم و ننگ شده بود». آقای علی زاده در پاسخ به این سوال که اگر مکاتب همچنان مسدود بماند برای فرزندان چی می‌کند؟ می‌گوید: «امیدوار است وضعیت به زودی تغییر کند، طالبان به واقعیت موجود برسند که علم و دانش یگانه راه پیشرفت یک جامعه است یا یک تغییرات اساسی در کشور بیاید. اما اگر این وضعیت ادامه پیدا کند صرف یک راه داریم که مهاجرت است».

«من پشتون ام، در خانواده ما همه باسواد اند» (مجیب الرحمن اتل)

مجیب الرحمن اتل، باشندہی شهر جلال آباد در مصاحبه با شبکه‌ی تحلیلگران بلاق و در پاسخ به این سوال که آیا واقعا طالبان با این تصمیم‌شان می‌خواهند بگویند که فرهنگ حاکم در جامعه پشتون چنین است؟ می‌گوید: «ممکن در تاریخ همانند سایر اقوام در جامعه‌ی پشتون نیز فرصت‌های آموزشی محدود بوده ولی حداقل در این بیست سال گذشته با وجود تهدیدات امنیتی و مشکلات زیادی که وجود داشت، با اندک‌ترین فرصت ما فراگیری علم را در اولویت خود قرار داده بودیم». آقای اتل در ادامه می‌افزاید: «من فرزند دوم در خانواده ۸ نفره پشتون می‌باشم، همه فرزندان خانواده و پدرم بجز مادرم که در زمان شان مکتب در منطقه ما نبود، باسواد اند. خواهرم نرس است و سالها در شفاخانه خدمت نموده است. مخالفت به آموزش به هیچ عنوان بیان کننده‌ی چهره‌ی ما نیست». وی در پاسخ به این سوال که پس طالبان از چی آدرس حرف می‌زنند؟ می‌گوید: «حداقل گفته می‌توانم از آدرس فرهنگ پشتون‌ها حرف نمی‌زنند، اینکه چی نیت و مبنا در عقب این تصمیم‌شان است من نمی‌دانم. اما اینقدر می‌دانم که باعث تباهی افغانستان می‌شوند».

«ازبک‌ها محرومیت در تاریخ معاصر داشتند ولی هیچگاه مخالفت با علم ندارند» (نجم الدین یاردم)

نجم الدین یاردم باشندہی اصلی شهر میمنه که فعلا در ایران مهاجر شده در مصاحبه با شبکه‌ی تحلیلگران بلاق، در پاسخ به این سوال که دیدگاهش در مورد مسدود ماندن مکاتب دخترانه چیست؟ می‌گوید: «متأسفانه دختران و زنان در طول تاریخ زجر و تبعیض را با خود حمل کردند، این وضعیت بطور اسف بار بر سرنوشت آنها تاثیر منفی خواهد گذاشت». آقای یاردم می‌افزاید: «جامعه‌ی ازبک زخم محرومیت‌های یک مقطع از جبر تاریخی را با خود دارد، اما هیچگاه مخالف فراگیری علم نبوده و نخواهند بود. تاریخ بخوبی از تلاش‌های زعمای ازبک برای رشد علم و فرهنگ یاد می‌کنند».

یاردم در ادامه می‌گوید: «در پاسخ به سوالات مداوم خواهرم که در مورد سرنوشت مکتب‌اش از من می‌پرسد، هیچ حرف برای گفتن ندارم، صرف سکوت می‌کنم یا به موضوعات غیر مرتبط دیگر اشاره می‌کنم».

«موضوع حجاب یک دلیل کاملاً غیر منطقی است» (صابره عزیزی)

صابره عزیزی که مدت سی سال سابقه‌ی آموزگاری را در یکی از مکاتب شهر مزارشریف دارد در پاسخ به این سوال که آیا واقعا موضوع حجاب دختران و معلمان در مکاتب می‌تواند دلیل برای مسدود ماندن مکاتب شود؟ می‌گوید: «من اکنون پیچه سفید شده‌ام، عمرم را با تباشیر و تخته در صنف پسران و دختران سپری کردم، از زمانی که من بیاد می‌آورم، حضور دختران بعنوان دانش آموز و زنان بعنوان معلم در مکاتب با پوشش منظم مطابق به شریعت و فرهنگ مردم ما بوده است».

وی می‌گوید: «حتی تعدادی از معلمان و دانش آموزان وجود داشتند که در دوره‌ی جمهوریّت نیز در مکتب با چادر/برقه می‌آمدند و هیچ کس مانع شان نمی‌شد».

خانم عزیزی می‌افزاید: «در زمان حکومت کمونیستی یک زمان دختران در دانشگاه لباس و چادر کوتاه می‌پوشیدند که صرف برای یک مقطع زمانی محدود بود و حداقل در زمان جمهوریّت هیچ نوع بی‌حجابی مخالف شریعت در مکاتب وجود نداشت».

«مگر ممکن است در قرن حاضر تفکر قرن وسطی را عملی کرد؟» (صدیق الله سلحشور)

صدیق الله سلحشور، باشنده‌ی اصلی ولسوالی بهارک ولایت بدخشان فعلاً در کابل زندگی می‌کند در پاسخ به این سوال که جامعه‌ای که وی در آن متولد و بزرگ شده آیا چنین تقاضا از طالبان دارد؟ می‌گوید: «من زاده‌ی ولایت علم پرور بدخشان ام، در بدخشان دست کم طی سالهای اخیر من آنجا شاهد بودم هیچ نوع مخالفت با آموزش و پرورش وجود نداشت و این موضوع به هیچ عنوان ربط به خواست فرهنگی ما ندارد».

وی می‌افزاید: «جامعه‌ی تاجیک افغانستان در زمینه فراگیری علم و دانش تاریخ درخشان دارد، من ادعا نمی‌کنم تاریخ بخوبی برای ما این حرف را به اثبات می‌رساند».

آقای سلحشور مخالفت با علم را ثمره‌ی تفکر قرون وسطی دانسته می‌گوید: «مگر ممکن است در قرن حاضر که دنیا از برکت علم و دانش به اکتشافات ارزشمند رسیده است ما با طرز تفکر قرون وسطی زندگی کنیم؟ مگر کشورهای دیگر اسلامی نیز چنین تصمیم گرفته‌اند؟ در همین نزدیکی ما مگر بینظیر بوتو یک زن نبود که نخست وزیر پاکستان شد؟».

«ما از زادگاه ملا لنگ فریاد زدیم که مکاتب باز شود» (نظام الدین)

نظام الدین باشنده‌ی ولایت پکتیا در پاسخ به این سوال که چرا جامعه در مقابل این تصمیم طالبان ایستادگی موثر نمی‌کند؟ می‌گوید: «مردم قدرت نظامی ندارند بجز صدا، در حالیکه متأسفانه طالبان همین صداها را نیز سرکوب می‌کنند. ما از زادگاه ملای لنگ^{۱۲} که مخالف ارزشهای مدرن از جمله آموزش دختران بود با درک این حقیقت که بدون علم نمی‌توانیم جامعه‌ی مرفه داشته باشیم فریاد زدیم».

وی معتقد است که افکار جامعه تغییر کرده ولی طالبان تاکنون از تفکر ملای لنگ پیروی می‌کنند. اینها باید آگاه شوند که برای رشد جامعه به علم و دانش مدرن نیاز است.

وی در ادامه می‌گوید: «من شخصا با روز مزد و کارگری در داخل و خارج از کشور زمینه‌ی آموزش سه دختر و دو پسر را فراهم ساخته‌ام. اکنون متأسفانه دو دخترم از درس محروم شده‌اند».

«در هیچ مذهب اسلامی چنین دشمنی با علم و زن مجاز نیست» (محمد حسین فیاض)

محمد حسین فیاض آگاه علوم دینی به این باور است که در اصول اساسی دین مبین اسلام هیچ نوع ممنوعیت در زمینه‌ی آموزش زنان وجود ندارد.

آقای فیاض می‌گوید: در متون اساسی دین نه تنها هیچ متن برای ممانعت فراگیری علم وجود ندارد بلکه موارد زیاد تشویقی وجود دارد. بطور مثال میتوان به حدیث مشهور اشاره نمود که در کتب فریقه اهل تشیع و اهل سنت وجود دارد که همانا طلب العلم فریضة علی کل مسلم، ومسلمة می‌باشد. وی تأکید می‌کند که در مذهب اهل تشیع تعداد زیادی از علما بر این باوراند که زنان می‌توانند تا مسند مرجعیت دینی تحصیل کنند.

آقای فیاض می‌گوید: «آنچه طالبان انجام می‌دهند برگرفته از برداشت نادرست از دین و همچنان تأثیر پذیری از یک نوع فرهنگ زن ستیزانه می‌باشد که زنان را صرف ناموس دانسته و حق حضور در اجتماع را به آنها نمی‌دهند و تأکید به پشت پرده‌نشینی آنها دارند».

«مسدود ماندن مکاتب زمینه‌ای برای رشد افراطیت و ایجاد خطر برای کشورهای جهان است» (نعیم پویش)

نعیم پویش، دیپلمات پیشین و آگاه روابط بین الملل، بارومند است که مبنای تصمیم‌گیری و تأکید طالبان در زمینه‌ی مسدود ماندن مکاتب دخترانه دو موضوع است. یک موضوع برداشت نادرست و کاملاً افراطی از ارشادات دین و دوم بستر اجتماعی و فرهنگی که طالبان در آن زاده و رشد نموده‌اند، این فرهنگ بطور ذاتی مرد سالار و ضد هر نوع نقش اجتماعی به زنان و برابری اجتماعی آنان است. برداشت فکری طالبان از زن چیزی نیست که جامعه انسانی به آن می‌بیند بلکه آنان زنان را

^{۱۲} - ملا عبدالله گردیزی، مشهور به ملای لنگ همراه با ملا عبدالرشید از آستین برنامه اصلاحات امان‌الله، بیرون شدند. در حوت ۱۳۰۲ برابر با ۱۹۲۳ میلادی دو ملایی که ذکرشان رفت، با پشتی‌بانی قبایل منگل، احمدزایی، جاجی و سلیمان خیل در برابر پروژه نوگرایی امان‌الله علم کردند. <https://swn.af/how-did-mullah-lang-get-out-of-amanullahs-sleeve>

صرف برای خدمت به مرد و فرزندآوری می‌دانند. هر دوی این موضوع باعث شده طالبان را به این نتیجه برساند که تصمیم‌شان در حفاظت از دین و جامعه است. در حالیکه این واقعیت امروز دین و جامعه افغانستان نیست. آقای پویش در پاسخ به این سوال که پیامد این سیاست برای طالبان در سطح جهانی و منطقه چي خواهد بود؟ می‌گوید: «تأثیرات این موضوع بستگی به دیدگاه و منافع کشورها در سیاست خارجی شان دارد. کشورهایی که باورمند به ارزشهای انسانی و احترام به حقوق زنانند قطعاً این وضعیت برای شان نگران کننده است. چون مسدود ماندن مکاتب باعث رشد افراطیت و در نهایت رشد تروریسم خواهد شد که قطعاً تهدید برای جهان و کشورهای منطقه خواهد بود».

«طالبان با وضع محدودیت ها عملاً افغانستان را به زندان برای زنان تبدیل نموده است» (پرستو یاری)

پرستو یاری، فعال مدنی معتقد است که طالبان بخودی خود یک تهدید جدی برای زنان و دختران است. وی می‌افزاید: «تفکر طالبانی نسبت به زن یک تفکر انسانی نیست بلکه آنها به زنان بعنوان شی و امتعه و در نهایت وسیله‌ای برای فرزندآوری و ارضا جنسی می‌نگرند». خانم یاری در پاسخ به این سوال که پیامدهای این تصمیم طالبان بر جامعه چي خواهد بود؟ می‌گوید: «این تصمیم طالبان به مهمترین نهاد اجتماعی که همانا خانواده می باشد بطور مستقیم تأثیرات منفی داشته و از آن طریق می‌تواند در زمینه تعلیم و تربیه نسل بعدی و همچنین سرنوشت زنان و دختران نقش نهایت منفی در پی داشته باشد». وی می‌افزاید: «آنچه طالبان تصور می‌کنند تفکر و خواست مردم افغانستان در شرایط کنونی نه، بلکه تفکر و خواست یک عده‌ی محدود افراد عقب گرا و سنتی می‌باشد».

واکنش طالبان به بسته ماندن مکاتب دخترانه

باکوشش‌های متواتر، متأسفانه شبکه‌ی تحلیلگران بلاق موفق به اخذ نظریات طالبان در زمینه‌ی بسته ماندن مکاتب دخترانه نشدند. اما شاهد واکنش‌های آنها از طریق رسانه‌ها بوده‌ایم. در رابطه به بسته ماندن مکاتب دخترانه طالبان دیدگاه مشخصی به صورت قطع ندارند. هر یک نظریه و دیدگاه منحصر به فرد دارد که به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم. معین وزارت خارجه طالبان شیرمحمد عباس ستانکزی از بسته ماندن مکاتب دخترانه انتقاد کرده است و گفته است که: «آموزش حق طبیعی و شرعی پسران و دختران است. ما باید جامعه‌ای بسازیم که با زیور علم و دانش مزین باشد و هر فرد حق دارد که در بخش سیاست، تجارت، زراعت و آبادی کشور سهم فعال داشته باشد».¹³ که در برابر این گفته‌ی ستانکزی خالد حنفی، سرپرست وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان واکنش شدید نشان داد و افزود که آموختن علم دنیوی مباح است و اطاعت از امیرالمؤمنین واجب است.¹⁴ او همچنان علاوه کرد که: «آموختن علم مباح است و وقت خود را با مباحات ضایع نکنیم».¹⁵ که این حرف به خوبی و وضاحت بیانگر دیدگاه آنان نسبت به حق تعلیم زنان است. ذبیح‌الله مجاهد سخنگوی طالبان در نشست بین‌المللی علما در ترکیه اعلام کرد که باز گشایی مکاتب دخترانه بالاتر از صنف ششم حتمی است، اما درباره زمان بازگشایی مکاتب نگفت. او افزود که طالبان در حال حاضر روی ترتیب نصاب و صنف‌های جداگانه کار می‌کنند.¹⁶

فقیرالله فایق رئیس شورای علمای طالبان در کابل گفته بود که: «ملاهیبت‌الله آخندزاده، رهبر طالبان با گشایش مکاتب دخترانه مخالفت ندارد. یگانه علت باز نشدن مکاتب اینست که باید صنوف پسران و دختران جدا باشد».¹⁷ این ادعای یکجا بودن صنوف در حالی مطرح می‌شود که در طول دو دهه مکاتب دختران و پسران جدا بوده است. با توجه به نظریات فوق، در می‌یابیم که طالبان فقط برای جلب توجه جامعه‌ی جهانی و توجیه تصمیم اشتباه‌شان، بار بار به باز شدن مکاتب اشاره می‌کنند اما مکاتب را در عمل بسته نگه می‌دارند که این عمل‌شان گویای واضح افکار و تصمیم‌شان در قبال سرنوشت زنان و دختران افغانستان است.

¹³ . انتقاد ستانکزی از بسته ماندن مکاتب دخترانه: آموزش حق طبیعی و اسلامی دختران و پسران است.

<https://www.afintl.com/202206191164>

¹⁴ . ادامه‌ی ممنوعیت آموزش دختران؛ خالد حنفی: آموختن علم مباح است. عباس ستانکزی: علم فرض است.

<https://asvakanews.com/afghanistan/11980/>

¹⁵ . واکنش حنفی به اظهارات ستانکزی: آموزش مباح است، وقت خود را با مباحات ضایع نکنیم.

<https://www.afintl.com/202209270161>

¹⁶ . سخنگوی طالبان در نشست بین‌المللی علما در ترکیه: بازگشایی مکاتب دخترانه حتمی است.

<https://www.afintl.com/202210153386>

¹⁷ . مسدود ماندن مکاتب دختران در افغانستان؛ 300 روز محرومیت. <https://www.darivoo.com/amp/taliban-have-kept-the-girls-schools-closed-for-300-days-now/6656838.html>

نتیجه گیری

طوریکه در متن یافته های تحقیق نیز بطور مشروح بیان شد، به این نتیجه می رسیم که آنچه طالبان به آن تمسک نموده و مبنی برای تصمیم گیری شان در پیوند به مسدود نمودن مکاتب دخترانه می دانند، واقعیت عینی نداشته صرف برداشت نادرست این گروه را از واقعیت های عینی افغانستان بیان می کند.

مردم افغانستان در قرن بیست و یکم به این بلوغ فکری رسیده اند که تعلیم و تحصیل زنان را به حیث یک حق اساسی به رسمیت بشناسند و حاکمان باید به دغدغه شان نسبت به رفتن و نرفتن دختران به مکتب خاتمه بخشند. یافته های این تحقیق بطور واضح بیان میکند که هیچ گروه قومی و فرهنگی طرفدار مسدود بودن مکاتب دخترانه نبوده و آنرا خواست فرهنگی و قومی شان نمی دانند.

شهروندان افغانستان معتقدند که گروه طالبان بعنوان رژیم حاکم، از وضعیت زنان و دختران افغانستان بهره گیری سیاسی نموده و آنان را به گروگان گرفته اند. گروگان گیری حق یک گروه خاصی از مردم به بهانه های مختلف توسط طالبان برای دستیابی به خواسته هایشان در سطح جهانی ناشی از ضعف این رژیم بوده و هیچ مبنای عقلانی، فرهنگی و دینی ندارد. یافته های تحقیق حاضر به اثبات می رساند که ادعای طالبان مبنی بر بسته ماندن مکاتب دخترانه به خواست شهروندان افغانستان صحت نداشته و خلاف آن به اثبات رسیده است. مردم افغانستان اعم از زنان و مردان در صدد آگاهی، پویایی و رشد فکری زنان هستند که این امر جز از طریق گام گذاشتن دختران به مکاتب و تحصیلات عالی تحقق نمی یابد. بر اساس تحقیق حاضر تقریباً همه شهروندان افغانستان خواستار به مکتب رفتن دختران شان هستند و مخالفتی در زمینه ندارند.

موضوع مهم دیگر که باعث نگرانی عمیق شهروندان افغانستان بعلاوه مسدود ماندن مکاتب شده، رسمیت بخشیدن آموزشهای افراطی در نظام آموزشی کشور می باشد. آنها باورمند اند که رسمیت یافتن آموزشهای افراطی و قرائت طالبانی از دین بخودی خود میتواند پیامد بسا خطرناک تر از مسدود ماندن مکاتب داشته باشد.

تداوم بسته ماندن مکاتب تبعات زیادی در پی داشته که قطعاً به زندگی اجتماعی زنان و سرنوشت آینده کشور تاثیرات نهایت منفی دارد. با آنکه مسدود ماندن مکاتب یکی از رفتارهای زن ستیزانه می باشد که در برابر زنان و دختران افغانستان اعمال می شود، اما در این میان نظارت محض و بازی با کلمات از جانب جامعه جهانی به طالبان این جرات را داده تا هر آنچه برداشت شان در پیوند به زنان است را زیر عنوان دین و فرهنگ مردم افغانستان اجرا نمایند.

فصل دوم

پیشنهادهای و ضمایم

الف: پیشنهادات

با توجه به یافته های تحقیق و به منظور عبور از این وضعیت و دسترسی دختران به حق آموزش در افغانستان پیشنهادات ذیل را در این تحقیق مطرح می نمایم:

۱. پیشنهاد برای طالبان:

- گروه طالبان بعنوان حاکم در افغانستان باید به موارد ذیل توجه داشته و هر چه عاجل به خشونت های بی رویه علیه مردم افغانستان به ویژه محدودیت ها در زمینه های حق آموزش برای زنان را پایان دهند؛
- تداوم این وضعیت بدون شک باعث تباهی و عقب گرد مردم افغانستان خواهد شد، این مسئولیت طالبان به عنوان مدیران در رژیم حاکم می باشد تا به این موضوع بطور جدی تجدید نظر نمایند؛
- این اقدام طالبان باعث رشد افراطیت مذهبی و بد معرفی کردن ارزشهای دینی و فرهنگی مردم افغانستان به جهان می شود که قطعاً لکه ننگ در تاریخ افغانستان می باشد، به این دلیل باید به تداوم این عمل خاتمه بخشند؛
- با تفکر افراطی و برداشت واهی از دین نمی توان بر منطق مردم حکومت کرد و طالبان باید درک کنند که تصمیمشان به خیر کشور و صلاح مملکت نیست؛
- طالبان نباید مفردات درسی مکاتب را طوری عیار نمایند که در آن آموزشهای افراطی و قرائت نادرست از دین بعنوان مفردات درسی رسمیت داده شود.

۲. پیشنهاد به مردم افغانستان :

- مردم افغانستان بعنوان مالک این سرزمین باید در مقابل رفتار طالبان از طرق ممکنه اعتراضات پیهم داشته و مانع تحقق این هدف طالبان شوند؛
- مردم نباید قدرت خود را فراموش کرده و صرف تمکین را در مقابل دستورات غیرموجه و غیر دینی طالبان پیشه نمایند؛
- طالبان با این رفتار شان بطور بی سابقه هویت فرهنگی و دینی مردم افغانستان را مورد تهاجم قرار داده که هر روز سکوت در مقابل آن بمنوعی حمایت از این رفتار خواهند بود، لذا مردم باید به سکوتشان در برابر اعمال نادرست طالبان خاتمه بخشند؛
- آنچه از شهروندان افغانستان که در خارج از کشور به امکانات تکنیکی و مادی دسترسی دارند تلاش نمایند تا محتوی مناسب آموزشی را در فضای مجازی در اختیار دختران افغانستان قرار دهند تا شکار محتوی تولید شده ی طالبانی نگردند؛
- شهروندان افغانستان که در نهادهای اکادمیک بیرون از کشور فعالیت می نمایند باید تلاش کنند تا زمینه های بورسیه تحصیلی را برای دختران افغانستان فراهم سازند.

۳. پیشنهاد به جامعه جهانی:

- جهان نباید بیشتر از این نظارتگر وضعیت و سرکوب مردم افغانستان باشد؛
- جامعه بین المللی با وضع تحریم های جدی بر سران طالبان آنان را مجبور سازند تا به تشکیل حکومت مشروع و قابل قبول برای مردم افغانستان تن دهند؛
- رفتار طالبان در مقابل زنان و دختران افغانستان باید بعنوان جنایت علیه بشریت شناسایی شده و داده گاه بین المللی لاهه در زمینه اقدام نماید؛
- کشورهای جهان باید تمامی تعامل خود با طالبان را بطور قطع مشروط به رفتار انسانی از جانب آنها در مقابل شهروندان افغانستان و دنیا نمایند؛
- سازمان ملل باید رفتار کنونی طالبان را بعنوان تهدید بالفعل علیه بشریت دانسته و اقدامات عملی در زمینه بازخواست و توقف آن بردارد؛
- از پذیرفتن مقامات و نمایندگان طالبان در مجالس بین المللی خود داری نموده زمینه های سفر آنان را لغو نمایند؛
- جامعه جهانی باید نظارت مستقیم و موثر بر تولید محتوی درسی جدید از جانب طالبان برای مکاتب و دانشگاه ها داشته باشد، تا از تولید محتوی که باعث رشد تروریسم و افراطیت می گردد، جلوگیری شود.

ب: ضمایم سوالات

سوال اول: جنسیت؟

- ☐ زن
- ☐ مرد
- ☐ دیگر

سوال دوم: سن

- ☐ ۲۰-۱۵
- ☐ ۲۵-۲۱
- ☐ ۳۰-۲۶
- ☐ ۳۵-۳۱
- ☐ ۴۰-۳۶
- ☐ ۴۵-۴۱
- ☐ ۵۰-۴۶
- ☐ ۵۵-۵۱
- ☐ ۶۰-۵۶
- ☐ بالاتر از ۶۰

سوال سوم: مربوط به کدام قوم افغانستان هستید؟

- ☐ بلوچ
- ☐ تورکمن
- ☐ پشه ای
- ☐ هزاره
- ☐ بیات
- ☐ قزلباش
- ☐ براهوی
- ☐ پشتون
- ☐ قزاق
- ☐ اوزبیک
- ☐ تاجیک
- ☐ گجر
- ☐ ایماق
- ☐ نورستانی
- ☐ دیگر

سوال چهارم: ولایت

- ☐ ارزگان
- ☐ بادغیس
- ☐ بامیان
- ☐ بدخشان
- ☐ بغلان
- ☐ بلخ
- ☐ پروان
- ☐ پکتیا
- ☐ پکتیکا
- ☐ پنجشیر
- ☐ تخار
- ☐ جوزجان

- خوست
- دایکندی
- زابل
- سرپل
- سمنگان
- غزنی
- غور
- فاریاب
- فراه
- قندهار
- کابل
- کاپیسا
- کندز
- کنر
- لغمان
- لوگر
- میدان وردک
- ننگرهار
- نورستان
- نیمروز
- هرات
- هلمند

سوال پنجم: آیا مخالف رفتن دختران به مکتب می باشید؟

- کاملاً
- بلی تا حدودی
- نخیر به هیچ وجه

سوال ششم: آیا مخالف تحصیل دختران در دانشگاه/پوهنتون هستید؟

- کاملاً
- بلی تا حدودی
- نخیر به هیچ وجه

سوال هفتم: آیا در فامیل شما زن باسواد (قادر به خواندن و نوشتن) وجود دارد؟

- بلی
- نخیر

سوال هشتم: آیا در خانواده شما دختر دانش آموز است که با سقوط جمهوریت و روی کار آمدن رژیم طالبان از تحصیل باز مانده باشد؟

- بلی
- نخیر

ج: فهرست منابع

۱. اداره ملی احصائیه و معلومات، سالنامه احصائیوی ۱۴۰۰، شماره ۴۳، ثور ۱۴۰۱.
۲. رشید، احمد، طالبان، ترجمه: اسدالله شفاهی و صادق باقری، انتشارات دانش هستی، ۱۳۷۹.
۳. غبار، میر غلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، مطبعه دولتی، سال ۱۳۴۶.
۴. ملکی، حسن، برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)، مشهد: پیام اندیشه، چاپ ششم.
۵. هشت صبح، وزارت معارف طالبان، مردم نمی‌خواهند که مکاتب دخترانه باز گشایی شود.
<https://am.media/taliban-ministry-of-education-people-do-not-want-girls-schools-to-be-reopened/>
۶. وزارت معارف: دیروز حکم مسدود ماندن مکاتب متوسطه و لیسه دختران را دریافت کردیم (شهروند نیوز)
[https://shahrwandnews.com/%D9%A8%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D9%A1-%D8%AF%DB%AC%D8%B1%D9%A8%D8%B2-%D8%AD%DA%A9%D9%A5-%D9%A5%D8%B3%D8%AF%D9%A8%D8%AF-%D9%A5%D8%A7%D9%A6%D8%AF%D9%A6-%D9%A5%DA%A9%D8%A7%D8%AA](https://shahrwandnews.com/%D9%A8%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%AA-%D9%A5%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D9%A1-%D8%AF%DB%AC%D8%B1%D9%A8%D8%B2-%D8%AD%DA%A9%D9%A5-%D9%A5%D8%B3%D8%AF%D9%A8%D8%AF-%D9%A5%D8%A7%D9%A6%D8%AF%D9%A6-%D9%A5%DA%A9%D8%A7%D8%AA)
۷. ملاعبدالله گردیزی، مشهور به ملای لنگ همراه با ملاعبدالرشید از آستین برنامه اصلاحات امان‌الله، بیرون شدند. در حوت ۱۳۰۲ برابر با ۱۹۲۳ میلادی دو ملایی که ذکرشان رفت، با پستی‌بانی قبایل منگل، احمدزایی، جاجی و سلیمان خیل در برابر پروژه نوگرایی امان‌الله علم کردند.
<https://swn.af/how-did-mullah-lang-get-out-of-amanullahs-sleeve>
۸. انتقاد ستانکزی از بسته ماندن مکاتب دخترانه: آموزش حق طبیعی و اسلامی دختران و پسران است.
<https://www.afintl.com/202206191164>
۹. ادامه‌ی ممنوعیت آموزش دختران؛ خالد حنفی: آموختن علم مباح است. عباس ستانکزی: علم فرض است.
<https://asvakanews.com/afghanistan/11980/>
۱۰. واکنش حنفی به اظهارات ستانکزی: آموزش مباح است، وقت خود را با مباحات ضایع نکنیم.
<https://www.afintl.com/202209270161>
۱۱. سخنگوی طالبان در نشست بین‌المللی علما در ترکیه: بازگشایی مکاتب دخترانه حتمی است.
<https://www.afintl.com/202210153386>
۱۲. مسدود ماندن مکاتب دختران در افغانستان؛ ۳۰۰ روز محرومیت.
<https://www.darivoa.com/amp/taliban-have-kept-the-girls-schools-closed-for-300-days-now/6656838.html>

**Follow Bolaq Analysts Network's activities
at the following addresses:**

Websites:

www.bolaq.org
www.dari.bolaq.org
www.hazaragenocide.com

Social Media:

<https://www.facebook.com/BolaqOfficial>
<https://twitter.com/bolaqofficial>
<https://www.instagram.com/bolaqofficial>
<https://www.youtube.com/channel/UCwJE56ewiCPt7AWOFLdQUHw>

Bolaq Analysts Network
19302 Northern Blvd Floor 1
Flushing, NY 11358, USA
Registration No: 84-4907727
www.bolaq.org